

اسباب المغفرت و دلیل الاحسان اثر ارزنده ادب دینی فارسی در شبه قاره

دکتر احسان احمد*

ناظم حسین**

چکیده:

”اسباب المغفرت و دلیل الاحسان“ مشتمل بر خطاب و گفتار های عبدالله واعظ ملتانی است که دانشمند دینی و عالم و واعظ نام آور دوره خود بود. این کتاب در سده دوازدهم هجری تألیف شده بود. مؤلف کتاب مسقیم فرزند غیاث الدین این همه مستقیماً از عبدالله واعظ شنیده بود. کتاب مشتمل بر نه باب است که درباره توحید و نعت رسول اکرم و فضایل اصحاب پیامبر و درباره قناعت و محنت و فضیلت دعا ها و درود خواندن است. به علت موضوعات خود این کتاب اهمیت فوق العاده ای دارد و مؤلف به زبان ساده و روان برای خوانندگان مواعظ را نوشت و از آیات و احادیث و اقوال عربی استفاده کرده، اثر پر ارزش بجا گذاشته است.

واژه های کلیدی: (زمینه) محتوای، دار و گیر، حصن الایمان، ادب دینی فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، اسباب المعرفة و دلیل الاحسان.

* عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور- پاکستان
* دانشجوی دوره دکتری، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه سرگودھا- پاکستان

نویسندگان فارسی شبه قاره آثار فراوانی در زمینه دین و اسلام شناسی پدید آورده اند که ارزش معنوی و ادبی آنها زیاد است. حدود هشت قرن گذشته دانشمندان محلی شبه قاره به شاخه های مختلف دینی از جمله تفسیر، حدیث، سیرت نبوی، تاریخ، تذکره و جز آن به فارسی می نگاشته اند. این آثار گرانبهائی هم از نظر دینی و هم از لحاظ زبانی و ادبی ارزش زیادی دارد و همواره مورد تحقیق و پژوهش بوده است.

افزون بر آثاری مستقل آثاری دیگر نیز در شبه قاره به فارسی نوشته شده است مثلاً ترجمه های متون دینی، حاشیه و شرح نویسی بر متون دینی و نقد و بررسی برخی از آثار دینی که در این نواحی پدید آمده است. الهیات و مسائل کلامی نیز یکی از شاخه های، مهم، دین به شمار است. دانشمندان محلی در این زمینه نیز آثار مهمی از خود بجا گذاشته اند. کتابهای عقاید و متون کلامی که در این مرز و بوم پدید آمده است از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

شبه قاره سر زمینی است که نهال اسلام در این جا به حد اعجاب برانگیزی برک و بار آورده است و دانشمندان محلی در بیشتر شاخه های آن آثار سودمندی نوشته اند که بنا بر از بین رفتن رسمیت زبان فارسی بیشتر به دست فراموشی سپرده شده است و پژوهشگران زیادی به شاخه های دیگر ادبی و عرفانی اعتناء می کنند و آثار دینی فارسی در شبه قاره را معمولاً مورد تحقیق قرار نمی دهند در صورتی که پژوهش در این زمینه می تواند خیلی پُر بار و با ارزش باشد.

اسباب المغفرت و دلیل الاحسان

اثر مورد تحقیق اسباب المغفرت و دلیل الاحسان نام دارد و موضوع آن عقاید و مسائل مختلف دینی است درباری محتوای و سبک نگارش این اثر بعد تر خواهیم نوشت.

مؤلف: مستقیم فرزند غیاث الدین

مؤلف این اثر مستقیم نامی است که متأسفانه اطلاعاتی زیادی از او در دست نیست. مهم ترین مأخذ درباره معرفی نویسنده ها نا همین اثر اوست. نویسنده خودش را در این کتاب به اختصار معرفی کرده است که حاصل آن همین است که نام او مستقیم و نام پدر او غیاث الدین است. (نسخه خطی اسباب المغفرت و دلیل الاحسان، ص ۱)

از گفته او پیدا است که وی ساکن نمکسار پنجاب (پاکستان فعلی) بوده است. منظور از نمکسار ناحیه ای بوده است که امروزه در آن دو شهر کهنه و تاریخی وجود دارد: بهیره و خوشاب (نسخه خطی اسباب المغفرت و دلیل الاحسان ص ۱). بنا بر گفته مؤلف متن حاضر در بهیره خوشاب نگاشته شده است (نسخه خطی دارالواعظین (اسباب المغفرت) مستقیم، ص ۱) بهیره و خوشاب دو شهر جداگانه است و از گفته مؤلف پیدا نیست که وی اثر خود را دقیقاً در کدام شهر پدید آورده است. به احتمال زیاد اثر زیر بحث در بهیره تألیف شده است.

موضوع کتاب و سبب تألیف آن

موضوع این اثر دین و عقاید دینی است. این کتاب مشتمل بر نه باب است که شرح آن به قرار ذیل

است:

- ۱- در توحید باری تعالی
- ۲- در نعت حضرت محمد مصطفی
- ۳- در فضایل و اوصاف چهار یار پیامبر
- ۴- در نصیحت خلق الله به حق قرابتیان و همسایگان به جا آوردن
- ۵- در قناعت و محنت و فقر و فاقه حضرت رسول اکرم

۶- در فضیلت دعا ها، درودها و اوراد

۷- در حالات مذهب اهل تشیع

۸- در فضیلت بسم الله الرحمن الرحيم

۹- در فضیلت درود خواندن

در ضمن برخی از ابواب بعضی- از مسایل فرعی نیز دیده می شود. مثلاً در ذیل باب چهارم موضوعات زیر نیز دیده می شود:

فضیلت نماز خواندن، در فضیلت نماز و درجات آن، در فضیلت میوه های انار بهشتی، در بیان فضیلت بی بی رابعه بصری، در بیان آنها که زکوة مال نمی دهند.

متن حاضر اساساً خطابه ها و گفتار های عبدالله و اعظ ملتانی است که از واعظان برجسته آن دوره در پنجاب به شمار می رفت. مؤلف کتاب خودش را شاگرد عبدالله ملتانی می گوید و در سبب تألیف اطلاع می دهد که وی این گفته های عبدالله ملتانی را در زادگاه خود بهیره سماع کرده و به نگارش در آورده است (نسخه خطی انبات المغفرت و دلیل الاحسان ص ۱)، بهیره شهر کهنه و تاریخی است که از توابع شهر سرگودها است. بهیرا از سرگودها در پنجاه کیلو متری به طرف شمال بر کنار رود خانه جهلم در استان پنجاب واقع است.

مولانا عبدالله واعظ ملتانی و آثار دیگر او

اسمش عبدالله و لقبش واعظ بود. زادگاه او شهر کهن و تاریخی ملتان بود. وی خودش را در بیشتر آثارش بدین طور معرفی می کند:

عبدالله الملقب به الواعظ المتوطن دارالامان ملتان (فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، ۲۳۳۲/۴) هم از گفته وی برمی آید و هم برخی مطالب آثار او تأیید می کند که وی دانشمند دینی

و سخن ران و نویسندہ برجستہ زمان خود بود و عظمی هایش چنان مؤثر و دلگرم کننده بود کہ مردم آنها را خیلی می پسندیدند و بہ مجالس و عظمی او روی می آوردند. بہ همین دلیل وی بہ لقب واعظ اشتہار یافت.

تاریخ تولد و در گذشت واعظ ملتانی دقیقاً مشخص نیست اما چنان بہ نظر می آید کہ وی در اواخر سده یازدهم هجری بہ دنیا آمد و قطعاً در سده دوازدهم هجری در گذشتہ بود. تنها تاریخی کہ در آثارش دیده می شود ۱۱۱۲ھ/ ۱۷۰۰ م است کہ وی در آن سال اسباب المغفرت و دلیل الاحسان و راحت المؤمنین را در آن سال تألیف کردہ است. (احمد، ۱۹۷۵ م، ص ۵۴۹/۲)

اطلاعات زیادی در بارہی شرح حال او در دست نیست. در نزہۃ الخواطر آمدہ است کہ وی از واعظان معروف حنفی بود و در زمان فرخ سیر پادشاہ تیموری (۱۱۲۶-۱۱۳۱ھ) بہ دہلی رفته بود و در آنجا در روز جمعہ ہا در مسجد جامع دہلی بہ عظمی می پرداخت و مردم دہلی بہ سخنان او علاقہی زیادی نشان می دادند و مجالس و عظمی او ہمیشہ پر بود. (عبدالحی، ۱۹۷۵، ص ۱۶۸/۶)

عبدالله واعظ ملتانی مخالف سر سخت شیعیان امامیہ بود و در مجالس و عظمی خود آنان را مورد نقد و تکفیر قرار می داد. در آن زمان جعفر فرزند قاسم نامی در دہلی اقامت داشت کہ گرایش فراوانی بہ گوش دادن موسیقی داشت و در حضور او ابیاتی در حمد الہی، نعت پیامبر و مدح اہل بیت با موسیقی خوانندہ می شد و نیز یاران او برای ادای احترام بہ او پیش او خم می گشتند و دست ہایش را بوسہ می دادند. عبدالله واعظ جعفر را بہ رفض و بی دینی متہم ساخت. در نتیجہ آن بسیاری از مردم جعفر را دشنام دادند و می خواستند او را بکشند و یاران جعفر بہ دفاع از جعفر برخاستند چنانکہ آشوب بزرگی در شہر بہ وجود آمد و در آن داروگیریک نفر از ہندوان کشتہ شد.

پس دانشمندان دینی دہلی بہ بادشاہ مرا جعہ کردند و خواستگار حل و فصل این شرانگیزی شدند. پادشاہ قاضی القضاۃ خود شریعت خان را مامور بہ پی گیری کرد و شریعت خان بہ این نتیجہ رسید کہ

جعفر فرزند قاسم دهلوی رافضی و بی دین نیست و سخنان عبدالله از نظر شرعی به اثبات نرسیده است. پس برای بر طرف کردن آشوب پادشاه جعفر را به مقبره‌ی شیخ نظام الدین اولیاء دهلوی منتقل کرد و عبدالله را گفت که به ملتان بر گردد. (همو، ص ۱۷۰ - ۱۷۱)

عبدالله در ملتان نیز به وعظ و خطابه پرداخت و باعث آشوب گری شد. پس عقیدت خان والی ملتان اورابه زندان فرستاد و او تا ۱۱۳۱ هـ در زندان بود و پس از آن هیچ خبری از حال او در منابع دست ضبط نشده است.

افزون بر اسباب المغفرت و دلیل الاحسان، چهار اثر از عبدالله واعظ ملتانی در دست است که معرفی کوتاه آنها به قرار زیر است:

۱- راحت المؤمنین (فارسی): مجموعه چند مواعظ مؤلف است که در ۱۱۱۲ هـ تألیف شده است. (پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، ص ۵۴۹/۲) نسخہ های خطی این اثر در کتاب خانہ، دانشگاه پنجاب لاهور و کتابخانہ گنج بخش، اسلام آباد موجود است.

این رسالہ بہ بابہا و فصلہا تقسیم نشده است و موضوع آن ہم دقیقاً مشخص نیست بلکہ در این مواعظ گویندہ مردم را بہ نیکی ہا فرامی خواند و از بدی ہا و زشتی ہا باز می دارد. در متن رسالہ از آیات و احادیث و روایات و قصہ های اساطیری نیز استفادہ شدہ است. (احمد، ۱۹۷۵، ج ۲، ص ۵۴۹)

نام کتابہایی چون تذکرۃ الصالحین، حصن الایمان، جناح النجاح، زاد المومنین، شجرۃ الایمان، شرح چہل حدیث و منہاج الابرار در متن رسالہ دیدہ می شود کہ از منابع این رسالہ بہ شمار است.

۲- فواید المومنین (فارسی): رسالہ ای کوتاہ در ترغیب نماز و ترہیب قیامت است. نسخہ خطی آن در موزہ ملی پاکستان کراچی نگاہ داری می شود. (نوشاهی، ۱۹۸۳، ص ۸۴۳)

۳- حق المومنین (فارسی): رساله ای کوتاه در بیان ابلیس که آدم را از بهشت فرود آورد، در ملاقات آدم و حوا در عرفات، در بیان آموختن آدم زراعت را، نوح که زراعت و امارت به دست خود کرد، ابراهیم که زراعت می کرد و کعبه را به دست خود ساخت، در ذکر پیامبر اکرم که در خندق خود کار می کرد و در گذارش حدیث الکاسب حبیب الله و جزآن. یگانه نسخه خطی شناخته شده، آن در کتابخانه خلیل الرحمن داوودی در لاهور موجود است. (منزوی، ۱۹۸۵، ج ۴، ص ۲۳۱۲)

۴- شراب طهور (فارسی): این رساله کوتاه به دستور مولانا خدا بخش ملتانی تألیف شده است و موضوع آن دفع شبهات در شرح غزل نثر الدین عراقی با مطلع:

نخستین باده کا ندرجام کردند

ز چشم مست ساقی وام کردند

نسخه ای از شراب طهور در کتابخانه گنج بخش اسلام آباد موجود است. (فهرست کتابخانه گنج بخش از تسلیحی و نیز منزوی)

۵- شرح مثنوی معنوی (فارسی): مؤلف آن نا شناس است اما به گمان قریب به یقین این اثر هم از عبدالله واعظ ملتانی است. یگانه نسخه خطی آن در کتابخانه شخصی مولوی محمد شفیع در لاهور نگهداری می شود. (دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، ص ۱۷۳۶ بخش دوم-)

سبک نگارش کتاب

شیوه نگارش کتاب ساده و آسان است. نثر آن پیچیده، مسجع، مصنوع و عالمانه نیست. با این که نگارنده از آیات و احادیث و عبارات دیگر عربی در متن خود استفاده کرده است اما نثر آن به هیچ وجه نثری مغلق و سنگین نیست. ظاهرأ سبب آن این است که عبدالله واعظ ملتانی این سخنان را برای تعلیم و تربیت مردم عامه گفته است که اهل علم و ادب نبوده اند و منظورش این بود که گوش کنندگان بتوانند حرفهای

گوینده را به آسانی درک کنند، مسایل شرعی را بدانند و آنها را عملی کنند. منظور گوینده و نویسنده هنر نمایی های علمی و ادبی نبود.

نویسنده کتاب نیز راه سادگی و بی پیرایگی را پیمود و تلاش کرد مطالب واعظ ملتانی را مثل خود او به زبان ساده و گویا ضبط کند و در این کار موفق هم شد. همین سادگی و بی پیرایگی مهم ترین ویژگی او در این نوشتار است.

نکته دیگری که در ضمن سبک نگارش کتاب شایان تذکر است، این است که مؤلف در پیروی از گوینده در برخی از روایات روش مکالمه و سؤال و جواب را اختیار نموده است. این شیوه قطعاً برای شنوندگان خطابه ها جالب است و هم چنین برای خوانندگان نیز خوش آیند است.

در این گفتار ها به منابع نیز اشاره های وجود دارد. گاهی ذکر منابع بطور مشخص دیده می شود مثلاً نجات المسلمین (نسخه ذخیره شیرانی ص ۷۸) روضه الارواح (نسخه ذخیره شیرانی ۸۲) تفسیر یعقوب چرخ (همان، ص ۱۳۱): گاهی مشخص است اما ماخذ غیر مشخص مثلاً شیخ شهاب الدین سهروردی فرموده (همان ص ۱۳۲)، روایت عبدالله بن مسعود (همان ص ۱۳۴) و روایت جابر بن عبدالله (همان، ص ۱۳۵) گاهی ذکر منابع بطور مشخص نشده است مثلاً ”در بعضی کتابها نوشته شده است“ (همان ص ۸۳). نویسنده روایت نوین را گاهی با ”نقل است“ (ص ۷۸، ۱۰۷، ۱۱۲) آورده اند (۱۰۲)، بیشتر ”گر بشنو“ (ص ۳۹، ۱۰۳) و چنین آورده (ص ۹۹) آغاز می کرد.

هیچ نکته دستوری که تازه و غیره عادی باشد در این متن به نظر نمی رسد. تنها نکته ای که در این ضمن می شود ذکر کرد این است که مؤلف از ماضی استمراری کهنه استفاده می کند مثلاً گفتی به جای می گفتم، زفتمی به جای نمی رفتم و انداختی به جای می انداختم (ص ۱۱۷). در جایی برای کلمه ”برادران“ که در جمله نقش فاعل دارد افعال ”انداخت و ظاهر کرد“ (ص ۱۲۸). در این جمله فاعل جمع است و صورت فعلی

واحد. دقیقاً نمی شود گفت که این اشتباه از مؤلف است یا کاتب. در نثر فارسی شبه قاره معمولاً کاربرد جمع الجمع فراوان دیده می شود اما در متن ما چنین نیست. در این بخش تنها در، دو مورد به جمع الجمع بر می خوریم:

جواهر ها (ص ۸۱)

ملایکان (ص ۷۸)

عبدالله واعظ ملتانی با اهل تشیع میانه خوبی نداشت. وی از همه گروه های اهل تشیع تکفیر می کند و لحن کلامش در این زمینه به شدت تلخ، و زننده است.

مؤلف از واژگان محلی استفاده زیادی نمی کند و استعمال محلی کلمات عربی و فارسی نیز در این متن اندک است. برخی موارد در این جانشین می شود:

لکه: صد هزار (ص ۷۷، ۷۶، ۱۳۸)

مخت کردن: جهد کردن (ص ۷۷)

کارخیز: عروسی (ص ۸)

خوشبو، بوی خوش (ص ۸۲)

رنج شدن رنجیده و ناراحت شدن (ص ۹۹)

پخته شدن دنبل (ص ۱۰۷)

مایان بجای ما (ص ۱۲۴)

مؤلف در نثر خود از واژگان عربی بیشتر استفاده نمی کند. کاربرد واژگان عربی در متن بخش مورد پژوهش خیلی اندک است.

در بخش حاضر در دو مورد از ابیات فارسی نیز استفاده شده است.

ای مادر مهربان کجایی

واز زیر زمین چنین چرایی

بردار کفن بین که چونم

بردست دو پای بندسای

بفروخت مرا برادرانم

از کینه و حسد و بیوفایی

آواره شدم زخان و مانم

من بند شدم ز ظلم بهایی

هرگز نتوان خلاص دیدن

چون هست قضای کبریایی

(ص ۱۲۳)

بگفتا گرچه من کاسد قماشم

که در سلک خریدارانش قماشم

(ص ۱۲۵)

نسخه های خطی اسباب المغفرت و دلیل الاحسان

طبق منابع در دست بیست نسخه خطی از اسباب المغفرت و دلیل الاحسان در کتابخانه های مختلف در پاکستان نگاه داری می شود.

(فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان، ج ۴، ص ۲۲۳۷، ۲۲۳۸). همپئی این نسخه ها یکسان نیست

و بیشتر آنها در سدبی دوازدهم کتابت شده است و دو نسخه خطی در قرن سیزدهم تحریر شده است.

نسخه خطی در ذخیریه شیرانی، کتاب خانه دانشگاه پنجاب لاهور به شماره ۳۲۱۶/۲۱۱ نگاهداری می شود. (فهرست مخطوطات شیرانی، ج ۲، ص ۲۰۰)

این نسخه خطی در سده دوازدهم کتابت شده است و ظاهراً کهن ترین نسخه های خطی این کتاب است و شاید در زندگی عبدالله ملتانی از مستقیم فرزند غیاث به تحریر آمده است.

این نسخه خطی به نستعلیق معمولی کتابت شده است، عنوان هایش شنگرف، بیشتر صفحات مشتمل بر پانزده سطر است و کاتب رکبه هم نوشته است. این نسخه خطی کمی موریانه زده و آسیب دیده است اما قابل استفاده است. کاتب آن دانسته نیست اما ظاهراً آدم باسوادی است که در کتابت دقت لازم را بخرج داده است. دوسه نکته درباره شیوه کتابت او جالب است که در این جا درج می گردد:

کاتب همواره ”آنها“ را ”آنها“ می نویسد.

کلمه پیغمبر و پیغمبران در تمام متن به صورت پیغمبر و پیغمبران کتابت شده است.

غلط املائی فقط در یک مورد دیده شده است: ”برخواستند“ به جای برخاستند. (ص ۱۴۵)

نسخه خطی دیگر که برای استفاده در دست است، ”در الواعظین“ (اسباب المغفرت) است. نام گرد آورنده در دیباچه ”مستقیم ولد عنایت الله، ساکن نمکسار میانی، که از استادش میاں عبدالله ملتانی هنگامی که به خوشاب آمده بود، استماع کرده، و در هفت باب است، این نسخه در قرن دوازدهم هجری نوشته شده است. نسخه خطی در کتاب خانه گنج بخش شماره (۹۳۴۸) بنام در الواعظین (اسباب المغفرت) نگاه داری می شود.

طبق ترتیب نگارنده، باب اول در توحید باری تعالی، باب دوم در نعت محمدؐ باب سوم در فضیلت اصحاب کبار، باب چهارم در نصیحت خلق الله که حق قبیله و همسایگان به جا آرند، باب پنجم در قناعت و اجرت کشیدن پیغمبرؐ، باب ششم در منع کرده مومنان از شرک، باب هشتم در فضیلت عالم و علما.

نسخه خطی اسباب المغفرت و دلیل الاحسان ذخیره شیرانی، شماره (۲۱۱) دانش گاه پنجاب لاهور مشتمل بر نه باب است، ولی نسخه خطی، در الواعظین هفت باب دارد. در این هر دو نسخه خطی ترتیب باب ها یکسان نیست. ناهمگونی در جزئیات بعضی از حکایات و روایات نیز دیده می شود.

کتابشناسی منابع:

- احمد، ظهور الدین (۱۹۷۵م) پاکستان میں فارسی ادب کی تاریخ، ج مجلس ترقی ادب، لاهور.
- انوشه حسن، (۱۳۸۰ش) دانش نامه ادب فارسی (ادب فارسی در شبه قاره)، ج، ۴ بخش دوم سازمان چاپ و انتشارات تهران.
- بشیر حسین، محمد، (۱۹۶۹م)، فهرست مخطوطات شیرانی، ج ۲ اداره تحقیقات دانشگاه پنجاب، لاهور.
- عبدالحئی بن فخر الدین، (۱۹۵۷ م) نزہت الخواہر حیدر آباد دکن.
- مستقیم، (۱۱۱۲ھ) اسباب المغفرت و دلیل الاحسان نسخه خطی، ذخیره شیرانی، شماره ۳۲۱۶/۲۱۱ دانشگاه پنجاب، لاهور.
- مستقیم، (سده ۱۲ هـ) در الواعظین (اسباب لمغفرت) کتاب خانه گنج بخش، شماره ۹۳۴۸، اسلام آباد.
- منزوی احمد، (۱۹۸۵م) فهرست مشترک نسخه های خطی پاکستان، ج مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- نوشابی، عارف، (۱۹۸۳م) فهرست نسخه های خطی فارسی، موزه ملی پاکستان، کراچی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد